

روح مکان در باغ ایرانی*

لیلا مدقالچی**
مجتبی انصاری***
محمد رضا بمانیان****

چکیده

در طی سده اخیر، واژه مکان همراه با طیف وسیع معانی، تقریباً در تمامی فضاهای معماری مطرح شده است. ساخت مکان، به معانی و باورهای انسان تجسد بخشیده و ارتباط عمیقی با ساحت‌های وجودی انسان و ارتباط وی با محیط اطراف خود دارد. از این رو پرداختن به چگونگی ارتباط انسان با طبیعت به صورت تحدید شده در حوزه منظر و شناساندن نوع ارتباط شکل گرفته، گام اولیه در بررسی مفهوم مکان است. از سویی دیگر، باغ ایرانی به عنوان نمونه متعالی از منظر ایران، تصویر باورهای انسان ایرانی - اسلامی در بطن تاریخ است که علی‌رغم نامالایمات، همچنان به عنوان الگویی موفق از آن یاد می‌شود.

بدین منظور، پژوهش حاضر در تلاش است تا با بررسی عناصر باغ ایرانی، و تطبیق آنها با مفاهیم و اجزای مکان کیفیت‌های واجد معنای روح مکان در باغ ایرانی را شناسایی کند.

نگارندگان این مقاله، به سبب باور به ارتباط ناگسستنی انسان و محیط، از رویکرد پدیدارشناسانه نسبت به مفهوم مکان و باغ ایرانی استفاده کرده‌اند. روش تحقیق در این کار، روش توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده است. نتایج، حاکی از آن است که هر کدام از اجزای باغ، علاوه بر دارابودن کیفیت‌هایی شناخته‌شده، به سبب داشتن کیفیت‌های لاهوتی و قدسی به انضمام بار معنایی و تاریخی، در جهت القای حس مکان به مخاطب نقش به‌سزایی دارند. مفاهیمی چون محصوریت، گستردگی، هندسه و فضا که از ارتباط بین عناصر باغ ایرانی به وجود آمده‌اند، دارای کیفیت‌هایی مادی و معنایی هستند که باغ ایرانی را واجد حس مکان (روح مکان) می‌کنند.

واژگان کلیدی

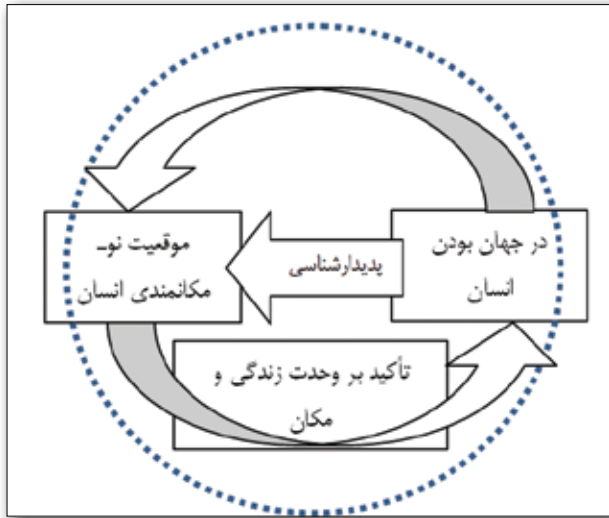
باغ ایرانی، روح مکان، رابطه انسان با طبیعت، عناصر باغ ایرانی.

.....
*این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری «لیلا مدقالچی» با عنوان «ارزش‌های انسانی معماری منظر ایرانی - اسلامی دوره صفویه» است که به راهنمایی آقای دکتر «مجتبی انصاری» در دانشگاه تربیت مدرس انجام گرفته است.

**پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس l.medghalchi@yahoo.com

***دکتری معماری، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس. نویسنده مسئول ۸۲۸۳۷۰۵ ، ansari_m@modares.ac.ir

****دکتری معماری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس bemanian@modares.ac.ir



نمودار ۱. انتخاب رویکرد پدیدارشناسانه نسبت به موضوع، به دلیل نوع دیدگاه ماهوی نگارندگان به انسان و باغ ایرانی بوده است. مأخذ: نگارندگان.

Diagram 1. Phenomenological approach to issue because of a spatial author's vision about human and Persian garden. Source: authors

رابطه انسان با طبیعت

برای آشکار ساختن نسبت انسان با باغ که منجر به مکانمندی در باغ می‌شود، ابتدا به ارتباط انسان با محیط از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازیم:

نوع ارتباط معماری (= به عنوان سازه انسان ساخت) با طبیعت و به گفته‌های دیگر، نوع دست‌اندازی به طبیعت، ریشه در طرز تفکر انسان و جهان بینی انسان در مورد طبیعت دارد. در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، ارتباط کاملاً نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته است. انسان در این تفکر، خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته است. چنین تفکری در بین متفکرین غرب نیز تا قبل از سطره جهان بینی مسیحی وجود داشته است. این ارتباط دوگانه از طریق مسیحیت تبدیل به یک ارتباط مثلث گون شده است. براساس این تفکر، خداوند طبیعت را خلق کرده و بشر ملزم به استفاده از آن است. در شرق آسیا، آنچه خدایی بوده علی‌رغم مافوق طبیعی بودنش در ارتباط نزدیک یا حتی در یگانگی با طبیعت قرار داشته است، به این ترتیب جمعاً با خود انسان نیز یگانه به حساب می‌آمده است (گروتز، ۱۳۷۵: ۱۴۷). امروزه تفکر دنیای متجدد از دیدگاه تقریباً جهان شمول درباره قداست طبیعت، فاصله گرفته و به دیدگاهی انجامیده که انسان را موجودی بیگانه با طبیعت می‌داند و طبیعت را دیگر نه آغازگر حیات، بلکه توده‌ای بیجان، ماشینی می‌انگارد که باید تحت سطره و تصرف یک انسان زمینی محض قرار گیرد (نصر، ۱۳۸۵: ۱۱). به طوری که شولتز یکی از بدفهمی‌های دوران مدرن در مورد محیط و بومگاه را خلاصه‌شدن در دنیای صرف به هوا، نور و فضای سبز عنوان می‌کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۲۷۹) به علاوه همین تفکر متجدد، به شیوه‌ای که در هیچ تمدن دیگری نمونه ندارد، قوانین طبیعت را از قوانین اخلاق و اخلاق بشر را از عملکردهای عالم، جدا ساخته

مقدمه

”و کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، به باغ‌های بهشتی وارد می‌کنند. باغ‌هایی که نهرها از پای درختانش جاری است، به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می‌مانند و تحیت آنها در آن «سلام» است” (سوره ابراهیم، آیه ۲۳)

وقتی سخن از منظر ایرانی به میان می‌آید، شاید اولین و تنها کلمه‌ای که در اذهان نقش می‌بندد، واژه باغ ایرانی است که به‌رغم تحقیقات بسیار در مورد آن، چنانچه انتظار می‌رود از جایگاه مناسبی در طراحی‌های منظر برخوردار نبوده است.

باغ ایرانی، در پس ارزش‌های نهان خود، تنها به هندسه کالبدی شناخته می‌شود؛ هرچند این هندسه قوی، متفکرانه و منتج از اصول آبیاری و کشاورزی بوده و از اهمیت کمی برخوردار نیست؛ ولی پرداختن صرف به آن بدون لحاظ سایر خصوصیات هویت‌ساز و مفاهیمی همچون مکان، روح مکان، کیفیت‌های قدسی آن و ... که باعث تداوم باغ ایرانی در اعصار مختلف شده است، تقلیدی صوری و کاری ناتمام خواهد بود.

از طرفی، بررسی عناصر باغ ایرانی به تنهایی و عدم توجه به ارتباط این عناصر با یکدیگر و ارتباط با زمینه پیدایش باغ به سبب معانی و مفاهیم موجود، می‌تواند از درجه اعتبار و ماندگاری آن طی سال‌های متمادی بکاهد.

قطعاً اهمیت دیدگاه‌های کل‌نگر نسبت به انسان و پدیده‌های هستیارتباط عناصر باغ و کیفیت‌های ناشی از کنار هم قرارگرفتن عناصر، می‌تواند در شناخت عوامل تأثیرگذار در ارتقاء مفهوم روح مکان (حس مکان) در باغ ایرانی نقش اساسی ایفا کند.

این نوشتار، با بررسی انواع ارتباط انسان با طبیعت و شاخص کردن رابطه‌ای که منجر به ایجاد روح مکان باغ ایرانی شده است و نیز تحلیل ارتباط عناصر باغ با یکدیگر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسانه^۱ (= رویکردی که جدایی انسان و محیط در آن مطرود است) در پی یافتن پاسخ به سوال زیر است:

چه کیفیت‌های محیطی از باغ ایرانی، آن را حامل روح مکان می‌سازند؟

در این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌پذیرد، برای تشخیص جایگاه انسان در ارتباط با طبیعت و نوع تسخیر آن توسط انسان، ابتدا انواع ارتباط انسان با طبیعت مورد بررسی قرار گرفته و جایگاه باغ ایرانی در نوع برخورد انسان با طبیعت (به عنوان روح مکان انسان ساخت) بیان می‌شود. سپس با توجه به ضرورت پرداختن به مفاهیم ساختار و معنا، برای دستیابی به مفهوم روح مکان در باغ ایرانی، عناصر و ساختارهای موجود در باغ ایرانی با رویکرد پدیدارشناسی تحلیل شده و خصایص هر کدام به طور جداگانه مورد بازشناسی قرار می‌گیرد. با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، ساختار و روابط ما بین عناصر باغ ایرانی مورد توجه بوده است و از اشاره مستقیم به برخی از عناصر باغ (هرچند مهم و اساسی) اجتناب شده است.

از آنجا که ما بخشی از طبیعت هستیم، برای آنکه به انسان کاملی تبدیل شویم، باید با آن تماس داشته باشیم. او هویت ما را با طبیعت مرتبط دانسته و آن را اولین گام به سوی اخلاقیات محیطی معرفی می‌کند و معتقد است که اخلاقیات و زیبایی‌شناسی همانند حقیقت و زیبایی به هم مرتبط هستند و منطقی نیست که منافع مستقیم تماس خود را با طبیعت تشخیص دهیم ولی به آن اهمیتی ندهیم، یعنی کاری که هم اکنون انجام می‌دهیم (بل، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

با بررسی نظرات فوق در مورد ارتباط انسان با محیط و نحوه مداخله در طبیعت، چنین به نظر می‌رسد که انتخاب رویکردی پدیدارشناسی به جهت جدانکردن انسان از محیط، رویکردی مناسب برای پژوهشی با موضوع مکان در باغ باشد. اگرچه افرادی همچون «آرنولد برلیت» و آندرو برنان با اشاره به یکپارچگی هویت انسان و محیط طبیعی، مطالعه یکی را بدون دیگری مطروود عنوان کرده و پرداختن به چنین مطالعاتی را سبب بحران‌های کنونی مطرح می‌کنند. اما باید به این نکته اذعان کرد که چنین نگرشی به عنوان ابزار و نوعی رویکرد به موضوع، مفید بوده و از سوی نویسندگان پذیرفته شده است. با این تفاوت که ارتباط انسان و طبیعت از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی با حفظ حقوق طبیعت، انسان را در مرتبه بالاتری نسبت به طبیعت دانسته و از بیان استحاله در طبیعت آنچنان که در دیدگاه غیر اسلامی مطرح است، اجتناب می‌کند.

روح مکان^۶

هر موجودی «روح» مخصوص خود را داراست که بر این اساس، خصلت ویژه خود را تحصیل می‌کند و انسان همچون هستنده‌ای وجودی که زندگی‌اش وقوع پیدا می‌کند نیازمند درک «روح مکان» است. اما چنین درکی نیازمند گشودگی بر محیط، دریافت خصوصیات آن و حاضر ساختن آنها در اثر معماری است که عینیت و خصلت ویژه‌ای داراست. بنابراین انسان با برافراشتن بناها و معماری کردن، «روح مکان» سایت موجود را آشکار می‌سازد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۸). مفهوم مکان هم از حاوی (جسم) و هم از محوی (روح) تشکیل شده است، موجودیت ملموسی ندارد،

و به گونه‌ای تأثیرات این جدایی نمود پیدا کرده است.^۳ به نظر می‌رسد همان‌گونه که «نصر» در کتاب دین و نظم طبیعت، مرگ و نوزایی انسان متجدد و جهان‌بینی او را نقطه آغازین حل بحران زیست‌محیطی اعلام می‌کند (نصر، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۲۴۷). این نقطه (= دگرگونی و نوزایی مجدد جهان‌بینی انسان) می‌تواند آغازی برای بررسی دوباره ارتباط انسان یا طبیعت و به تبع آن، نوع برخورد در معماری منظر باشد.

نخستین تلاش‌ها برای به عینیت درآوردن طبیعت و برابرقاردادن آن با انسان در دوره رنسانس صورت گرفت. به این ترتیب نقش خارق‌العاده یا خدایی طبیعت در رابطه انسان-طبیعت روز به روز در غرب کمرنگ‌تر شد و این آغاز تحولی بود که تا امروز نیز هر لحظه این رابطه را تضعیف کرده است. جدایی بین خود و محیط اطراف، آن‌گونه که دکارت مطرح می‌کند، پدیده جدیدی است که به طور خاص در فرهنگ‌های غربی بسیار مورد توجه است. بر عکس این اندیشه می‌توان رویکرد کل‌گرایانه‌ای را در نظر گرفت که در آن انسان و محیط اطراف یکی شده و یک کل را با اجزای داخلی مرتبط با یکدیگر به وجود آورد. شولتز نیز با تقسیم‌بندی حالات فهم انسان از طبیعت، به سه نوع ارتباط انسان با محیط طبیعی دست پیدا می‌کند (جداول ۱ و ۳)

آرنولد برلیت^۴ واژه محیط را مناسب همین هدف معنا کرده است، در نظر وی، ما در قبال نقش انسان بودنمان باید در به تصویر کشیدن مشخصات، استانداردها، ارزیابی ارزش‌ها و انتخاب عمل، مسئولیت بپذیریم. تمامی این موارد در ارتباط با دیدگاه کل‌گرایانه به جهان، معنا خواهد داشت و چنانچه حضورمان به عنوان بیننده‌ای بی‌طرف در خارج از این کلیت باشد، کاربردی نخواهد داشت، بنابراین براساس بحث برلیت، محیط شامل طبیعت، فرهنگ و انسان هست که در سامانه‌ای با ارتباطات متداخل قرار گرفته‌اند (بل، ۱۳۸۶: ۹۰). گروتز در کتاب زیبایی‌شناختی معماری رابطه بنای انسان-ساخت (معماری) با محیط طبیعی را در سه حالت تباین، تجانس و تضاد، بیان می‌کند. (جدول ۱) «آندرو برنان»^۵ نیز در ارتباط انسان با محیط، عقیده انسان‌گرایی اکولوژیکی را بسط داده و معتقد است:

جدول ۱. دیدگاه شولتز در مورد حالات فهم انسان از طبیعت. مأخذ: استخراج توسط نگارندگان براساس شولتز، ۱۳۸۸.

Table1. Schulz's vision about the types of human's understanding from nature. Source: authors based on Schulz.

حالات فهم طبیعت	نحوه دستیابی به مکان مقدس	مفاهیم عمده فهم طبیعت	عناصر مهم در طبیعت	مکان و طبیعت
۱	کیهان‌پژوهی	اکتشاف	نیروهای طبیعی - توجه به آفرینش زمین براساس افسانه‌های خدایان	مقدس - اسطوره‌های
۲	نظم‌کیهانی	انتزاع نظم کیهانی	مبتنی بر انتزاع یک نظم کیهانی نظام‌مند از درون رخدادها	فضایی ساختارمند
۳	خصلت مکان‌های طبیعی	انتزاع خصلت‌ها	تعریف خصلت مکان‌های طبیعی مرتبط با خصیصه‌های بنیادین انسانی	مقدس و متعلق به خدایان انسان‌گونه

ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند (Relph, 1976).

روح مکان طبیعی

شولتز پس از تقسیم‌بندی حالات فهم انسان از محیط طبیعی، مکان‌های طبیعی را براساس ویژگی‌های عناصر پایه‌ای (= همچون آسمان و زمین و نور آفتاب) به سه دسته، تقسیم کرده (جدول ۲ و ۳) و بیان می‌کند که چشم‌اندازهای ذکر شده، الگوهای اولیه مکان‌های طبیعی‌اند که می‌توانند ما را در "فهم" روح مکان هر وضعیت عینی یاری رسانند و به عنوان گونه‌هایی مختلف، به ندرت به شکل ناب ظاهر می‌شوند و اغلب در ترکیب‌های متنوعی حضور دارند (شولتز، ۱۳۸۸: ۷۱). از این‌رو، وی گروه چهارمی را نیز به عنوان "چشم‌انداز مرکب" معرفی می‌کند که نتیجه درکنار هم قرارگرفتن گروه‌های قبلی و متضمن امکان‌های متعدد و بی‌شمار بوده و کثرت متناظری از "معناهای وجودی" را معین می‌سازد.

مکان - باغ

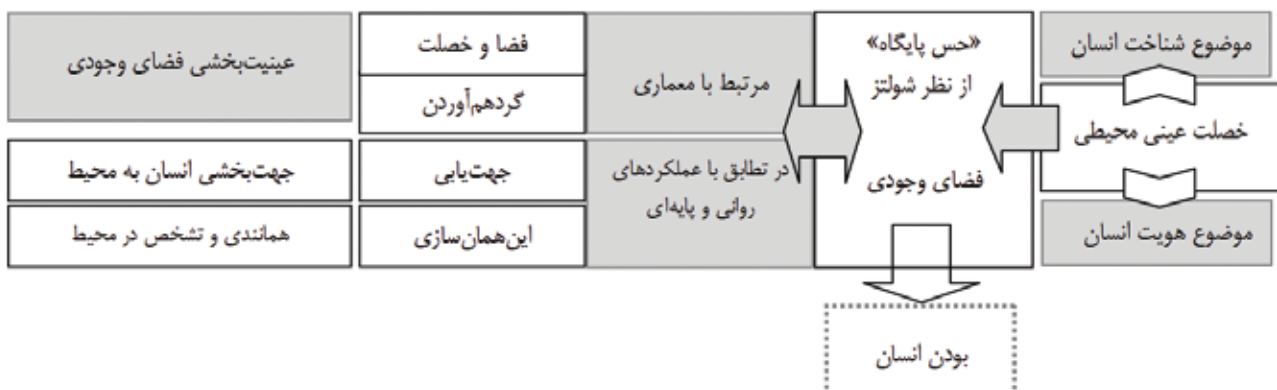
مفهوم معمارانه باغ، بازتاب حس مکان یا "مکانیت" است چون باغ فضایی متعین به شمار می‌رود که تصویر کلی کیهان را در خود به قاب می‌گیرد. این مفهوم که پرورنده انتظام و هماهنگی است، می‌تواند از راه عدد، هندسه و رنگ و ماده به حیطه حواس درآید، در عین حال نظر عقل را به ذات، به ساحت باطنی مستتر در فضای مثبت معطوف دارد. باغ در حد مظهری از صورت مرکزگرای عالم کبیر، یا ظاهر، و حیاط در حد مظهری از صورت مرکزگرای عالم صغیر یا باطن، جنبه‌هایی از مکان به شمار می‌آیند که متقابلاً مکمل یکدیگرند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۶۸).

اما در آگاهی بیننده‌ای وجود دارد که حدود جسم را به چشم در می‌یابد در حالی که عقل او روح را در حد محو محدود در میان حد و مرزها پیدا می‌کند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۱۳).

مکان‌ها محلی هستند که در آن عناصر با معنا وجود دارد. ساختن آنها سخت است زیرا به مرور زمان و به وسیله تاریخ، خاطرات و اسطوره‌ها تولید می‌شوند (Rotenberg, 2012: 241).

از نظر «سایمون بل» شناخت اولیه منظر توسط حواس پنج‌گانه صورت می‌گیرد. وی در توصیف از مناظر تجربه کرده خود، خصوصیات آسمان و زمین و جو را بیان می‌کند و با بررسی منظر طبیعت در جستجوی الگویی مشترک برای توجیه نظم و زیبایی طبیعت است. مقدمه کتاب «منظر، الگو، ادراک و فرایند»، مثالی روشن بر این رویکرد است. از دیدگاه سایمون بل؛ "روح مکان، کیفیت خاصی از منحصربه‌فردبودن منظر را به همراه دارد. تمام الگوهای خودسازمانده و مناظر خوب‌طراحی شده، تجلی بی‌همتایی از تمامی فرآیندهای موجود در یک زمان خاص اند که موجب ایجاد چنین کیفیتی می‌شوند. هنگامی که روح مکان بسیار قوی و با احساس زیبایی یا تعالی همراه باشد، روح حافظ یا ملازم مکان خوانده می‌شود" (بل، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

با توجه به نمودار ۲، معماری به معنای تجسم‌بخشیدن روح مکان و وظیفه معمار، خلق مکان‌های معنادار است که به واسطه آن انسان را در حضورداشتن (بودن) یاری می‌رساند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۱۴). انسان برای تحصیل پایگاه وجودی باید بتواند خودش را جهت‌یابی و همچنین این‌همان‌سازی کند، یعنی بداند که او چگونه در یک مکان مشخص قرار دارد. جایی که نظام ضعیف است احساس امنیت به صورت کامل وجود ندارد (همان: ۳۵ - ۳۴)؛ (نمودار ۲). از نگاه پدیدارشناسان حس مکان به معنای مرتبط‌شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش پیدا کند، ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر


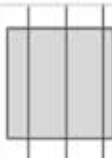






نمودار ۲. بسط مفهوم مکان براساس نظر شولتز. مأخذ: نگارندگان.

Diagram 2. Extending of the place concept with imparting Schulz's vision. Source: authors.

جدول ۲. رابطه بنای معماری با محیط. مأخذ: گروتز، ۱۳۷۵؛ Turner, 2011؛ Turner, 2005.

Table2. Relationship between architecture and environment. Source: authors based on Turner, 2005; Turner, 2011; Grutter, 1996.

		به مفهوم تقلید، همچون ادغام یک کلیه کوهستانی در محیط طبیعی آن به نحوی که طبیعت و ساختمان از هم تمیز داده نشوند، خواستی است که می‌تواند جنبه غیر صادقانه داشته باشد (گروتز، ۱۳۷۵: ۱۵۴).	تجانس
		نقطه مقابل نوع اول - جدا از محیط - چیز دیگر بودن - غیر منتظره بودن یا بداعت. هر چیز بدیعی باید حداقل ارتباط با چیزهای قبلی را داشته باشد تا پیام آن قابل درک باشد (گروتز، ۱۳۷۵: ۱۵۲). Picturesque - منظر بدیع (بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۲۲۷)	تباين
		نوع خاصی از ارتباط دوم - تضاد - است، با این تفاوت که بنا به عمد در مقابل محیط قرار گرفته و هر کدام زبانی برای خود دارند. اثر معماری بر محیط بیشتر است (گروتز، ۱۳۷۵). طبیعت را با نظم، مطیع و رام خود می‌کنند (بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۲۳۰).	تقابل
			مقابله
			فرانسه

جدول ۳. تقسیم‌بندی روح مکان طبیعی. مأخذ: نگارندگان با به کارگیری دسته‌بندی شولتز. مأخذ: Norberg Schulz, 1980.

Table3. Categorizing the spirit of natural place. Source: authors based on Schulz's classification in Norberg Schulz, 1980.

کلاسیک	کیهانی	رومانتیک	روح مکان طبیعی
یونان / روم	بیابان / صحرا	اروپای مرکزی	نمونه مکان
نور قوی و پراکنده	بدون سایه - نور زیاد	سایه روشن - کم نور	نور
به صورت منظر	وسیع - توجه به چهارجهت اصلی	اسرارآمیز	چشم‌انداز
	کمیاب	عنصری پویا و حاضر	آب
دارای عناصر مجزا و مشخص	بی حاصل و یکنواخت - نا محدود	دارای تعدد و چندگانگی - غالب و متنوع	زمین
فاقد کیفیت تمام عیار ولی رفیع	کیفیت تمام عیار / بی ابر	نیم کره کامل / مه آلود	ادراک آسمان
همدمی و هم سخنی	نیازمند واحه در طبیعت	تعاملی و همدلی	رابطه انسان با طبیعت
خداوند انسان گونه	امر مطلق / وحدانیت: لاله الا ...	وجود اسطوره‌ها - عدم یکپارچگی	باورهای مذهبی
بصورت کلتی یکپارچه و نظام معنادار	نظم مطلق و جاودان	فقدان نظام واحد - ادراک ناپذیر	محیط و نظام
همدم و با طبیعت - هویت مجزای هر بخش گرد هم آمدن	درون مکان صمیمی در کلان جهان کیهانی	همراه و در طبیعت	نوع باشیدن

باغ از روزگار دیرین در فرهنگ و تمدن ایرانی اهمیت و جایگاه مهمی داشته و یکی از مفاهیم بنیادین مباحث اجتماعی، فرهنگی و طبیعی این سرزمین به شمار می‌رفته است که امروزه نیز به صورت‌های مختلف در ادبیات، معماری و شهرسازی ایرانیان حضور دارد (بانی مسعود، ۱۳۹۰: ۲۱). ایرانی‌های بسیاری از قدیم‌الایام

به ساختن باغ‌ها و باغچه در حیاط‌ها و دور و بر بناها علاقه خاصی داشته‌اند. آنها باغچه‌هایی را که در اطراف بنا می‌ساختند (په اره دسه) می‌نامیدند، که به معنای پیرامون دژ یا (دیس) بود، (دیس) یعنی بنا و کسی را که دیس می‌ساخت (دیس) یعنی بنا می‌خواندند (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۴). واژه «پتری دژره»^۶ (= دژ محصور و

فهم انسان را از محیط نمایان، تکمیل و نمادینه می‌کند و معانی را گردهم می‌آورد در نظر بگیریم. اما به این معنا که انسان ایرانی براساس امکانات و محدودیت‌های محیط پیرامونش، نبود باغ را به عنوان فقدان در طبیعت ایرانی، بدان اضافه کرده و درک خویش را از معنای بهشت و عالم مثالی به صورت نمادین در آن آزاد کرده است. در طی اعصار تاریخ، همین معانی با مفاهیمی همچون "جنت" و "فردوس" در متون اسلامی همزاد پنداری و تبدیل به یک امر فرهنگی شده و محصول آن مفهوم غنی "چهارباغ" بوده است. مفهومی که ریشه در گذشته قبل از اسلام ایران داشته و به موجب تداوم وجوه آن معنی، در متون اسلامی جاودانه شده است. شولتز شرط رسیدن به روح مکان انسان ساخت مطلوب در طبیعت بیابانی (= همانند پیکره‌ای در بستر روح مکان طبیعی- کیهانی) را ساخت واحه‌ای در طبیعت خشک و یکنواخت بیابان بیان می‌کند که بی‌شبهت به باغ شازده^۱ ماهان در وسط کویر ایران نیست (تصویر ۱). "شخص از صحرای اطراف این باغ، وارد دروازه‌ای می‌شود و از عمارت کلاه‌فرنگی تابستانی عبور می‌کند و راه آبی طولانی را در برابر خود می‌بیند که راهروهای سایه‌دار و خیابان‌های پوشیده از درختان سرو در اطراف آن قرار دارند. در اینجا درخشش آفتاب چیزی بیش از ورقه‌ای از طلا در مليله کاری متحرک سایه و روشنایی نیست" (خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹).

شولتز در تقسیم‌بندی روح مکان انسان ساخت، انواع رومانیتیک، کیهانی و کلاسیک (جدول ۴) را نام برده و باغ‌های اسلامی را واجد خصوصیات روح مکان کیهانی می‌داند. از نظر شولتز آنچه، نظم کیهانی را مری می‌سازد سازمان‌دهی فضایی بوده و از طریق انسجام شکلی است که خصلت‌ها نمادینه می‌شوند. در نظم کیهانی، خصلت‌ها به سبب چیزهای طبیعی و روابط فضایی، نامحسوس‌تر

فروسته) در ایران به باغ‌هایی اشاره می‌کند که با بهشت برابری می‌کرده‌اند (یا حقی، ۱۳۶۹: ۱۳۵). شولتز نیز از باغ به عنوان چشم‌انداز فرهنگی یاد می‌کند: در "چشم‌انداز فرهنگی"، نیروهای طبیعی رام و اهلی شده و واقعیت زنده به صورت فرآیند منظمی که در آن انسان مشارکت دارد، ظهور پیدا می‌کند. تصور انسان از پردیس در واقع همیشه باغی محصور بوده است. در باغ عناصر شناخته‌شده طبیعت گرد هم می‌آیند: درختان میوه، گل‌ها و آب رام‌شده. بدین‌سان حتی آب هم می‌تواند، «ساخته» شود، یعنی تعریفی دقیق چونان بخشی از یک چشم‌انداز فرهنگی پیدا کند یا در یک فواره به چشم آید. انسان در چشم‌انداز فرهنگی، زمین را می‌سازد و ساختار بالقوه آن را چونان کلیتی معنادار آشکار می‌کند. یک چشم‌انداز فرهنگی مبتنی بر "کشتن" و "پروردن" بوده و مکان‌ها، راه‌ها و قلمروهای معین را شامل می‌شود که فهم انسان از محیط طبیعی را تعیین می‌بخشد" (شولتز، ۱۳۸۸: ۸۱).

"باغ ایرانی فرآورده‌ای است محیطی، جامع محیط گسترده شده و از آن زاییده شده است ... باغ ایرانی در طول عمر تجربی‌اش- تمام ویژگی‌های یک پدیده را داراست: دگرگونی می‌پذیرد؛ تحول می‌پذیرد؛ از درون خود تجربه می‌زاید؛ و جز اینها و بر محیط / بر محیط جامع انسانی / اثرگذاری می‌کند" (فلامکی، ۱۳۸۹: ۶۶۲). نمایان‌سازی، تکمیل‌سازی، نمادینه‌سازی فرآیندهایی است که شولتز از آنها برای "برگرداندن" معانی به قالب فرم‌های انسان-ساخت نام می‌برد، این روابط، بیانگر آن است که انسان مفاهیم تجربه‌شده را گردآوری می‌کند تا برای خود یک "تصویر - جهان" یا "خرده - جهان" بیافریند که جهان وی را عینی سازد (شولتز، ۱۳۸۸: ۳۰).

از این رو باغ ایرانی را می‌توان به عنوان محیطی انسان‌ساخت که،



تصویر ۱. "باغ شاهزاده ماهان"، جزیره‌ای آباد در میان بیابان که قرن نوزدهم م. ساخته شده است (خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸).

Fig.1. Shazdeh Garden in Mahan an Oasis that was built in the 19th century. Source: Khansari, et al. 2004:18.

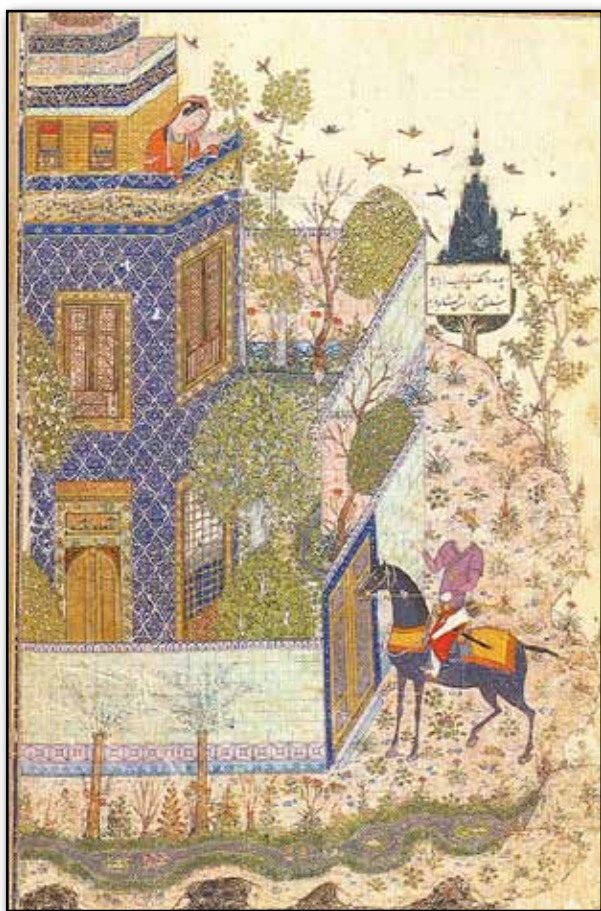
جدول ۴. تقسیم‌بندی روح مکان انسان‌ساخت. مأخذ: نگارندگان.

Table4. Categorizing the man-made place. Source: authors.

روح مکان انسان ساخت	رومانتیک	کیهانی	کلاسیک	ایرانی - اسلامی
نمونه معماری	Art رومانیک / Nouveau	شهرهای اسلامی	معماری کلاسیک یونان	باغ ایرانی
هدف بارز	بیانگری	ضرورت	Perspective بیان دورنما	توجه به ساحت‌های مادی و روحانی
ساختار فضا	موضوع‌شناختی topologic	همگن و یکسان / هندسی	موضوع‌شناختی + هندسی (در سازماندهی) (در بنای منفرد)	دارای تداوم و جهت
آرایش فضا	تکثر و تعدد / آزاد و متنوع	شبکه‌های منظم و همگن / نظم کیهانی	نظم منسجم تصویرپذیر- (Plastic) نسجم تجسمی	نظام‌مند - هندسه بر اساس جهت
خصلت فرم	فرم‌های پویا / نتیجه رویش طبیعت زنده	فرم‌های ایستا و هم شکل حاصل اشکارسازی نظم پنهان	نه ایستا و نه پویا / آستن زندگی ارگانیک	گاهی پویا و گاهی ایستا - متناسب
ساختارها	غیرعقلانی و ذهنی	عقلانی و انتزاعی	فاقد نظام کلی و غالب در سازماندهی بناها	دارای نظام عقلانی توجه به اعداد و هندسه - دارای ابعاد نمادین
رابطه درون و بیرون	پیچیده و بی‌سامان	تجلی جهان آرمانی در فضای درون	خصلت‌مند در ارتباط با بیرون (حضور قرارگاه با محیط پیرامون)	جدایی ساختارمند و نمادین درون از بیرون
نور و رنگ و مصالح	متنوع و خاص در اشکال محلی	ماده‌زدایی / موزاییک و کاشی	بازی نور و سایه که فرم را شکل می‌دهند.	مطابق با محیط در دسترس - ماده‌زدایی
ادراک	به سادگی قابل درک نیست	ادراک به صورت یکپارچه	ادراک به صورت منطقی	کل‌گرا و در عین حال دارای تنوع

و نیازمند توجهی ویژه از سوی سازنده‌اند و عینیت یافتن آنها مبتنی و وابسته به زبانی متشکل از عناصر بنیادین است که ممکن است متنوع بوده و به شیوه‌هایی متفاوت با هم ترکیب شده باشند (شولتز، ۱۳۸۸ : ۸۵). "فضاهای کیهانی" قدرتمند" مستلزم نمایان‌سازی نظامی روشن است ... فضای کیهانی، مشخصاً هندسی است و معمولاً به صورت شبکه‌ای منظم یا تقاطعی از محورهای متعام (شمال جنوبی- شرقی غربی) تعیین می‌یابد" (همان : ۱۰۹). هرچند در این میان تفاوت‌هایی آشکار وجود دارد که جدول ۴ مشخص شده است. اما از نظر خصوصیات کالبدی و فیزیکی مشابهت‌های بسیاری به چشم می‌خورد. اگر از منظر تفکر اسلامی و با در نظر گرفتن تفاوت جهان بینی غربی و اسلامی به مسئله نگاه کنیم، تفاوت‌ها آشکار می‌شود، آنچه شولتز و سایر اندیشمندان در زمینه روح مکان اشاره می‌کنند؛ عدم توجه به ساحت روحانی به معنای الهی و خدایی بودن آن است؛ تفکری که در آن منشأ همه امور، خدا بوده و انسان خلیفه او در زمین و بهره‌مند از مواهب الهی و مکلف به استفاده درست از این نعمت‌هاست. اگرچه افرادی همانند شولتز و برلیت دیدگاه‌های جزء نگر غرب را مورد انتقاد قرار داده و پدیده منظر را همانند یک کل مرتبط با عوامل محیطی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند، اما به نظر می‌رسد جهان بینی اسلامی با عطف به کل‌گرایی، جایگاه انسان در طبیعت را به صورت نظام‌مندتری معرفی می‌کند. معنای تسخیر آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای انسان، این است که اجزای عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد، و نظامی واحد بر همه آنها حاکم است و بعضی را به بعضی دیگر مرتبط و همه را با انسان مربوط و متصل می‌سازد، در نتیجه انسان در زندگی خود از موجودات علوی و سفلی منتفع شده، و روز به روز

دامنه ارتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش پیدا می‌کند، و آنها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی قرار می‌دهد، پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخر انسانند (طباطبایی، ۱۳۵۸ : ۲۶۴). از مجموع آیات تسخیر در قرآن به خوبی فهمیده می‌شود که انسان، تکامل یافته‌ترین موجود این جهان است و خداوند همه موجودات دیگر را مسخر او ساخته است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵ : ۱۲۱). "و سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا" (جاثیه، آیه ۱۳). تسخیر موجودات برای انسان هم شامل اموری می‌شود که در اختیار اوست و با میل و اراده‌اش، آنها را در مسیر منافع خود به کار می‌گیرد؛ مانند بسیاری از موجودات زمینی، هم اموری را در برمی‌گیرد که در اختیار انسان نیست اما به دستور خداوند در خدمت انسان‌اند و به او امکان بهره‌گیری می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۷۸ : ۶۱۵ - ۶۱۲). اما این تسخیر به معنای استفاده نامحدود از منابع و بهره‌کشی بی‌مورد آنها نیست؛ چنانچه همواره از حقوق طبیعت و سایر موجودات در منابع دینی سخن به میان آمده است.^{۱۱} در واقع می‌توان گفت که مفهوم محیط انسان‌ساخت باغ و به خصوص باغ ایرانی بازتاب روح مکان است چرا که باغ نظام فضایی ساختارمند و کرانمند را ایجاد می‌کند که با نظمی عقلانی و دارای جهت (تأکید بر چهار جهت اصلی)، گستردگی (تأکید بر روح مکان طبیعی منطقی) و انتزاع، بر روح مکان طبیعی- کیهانی تأکید می‌کند. مفهوم هندسی عقلانی و انتزاعی باغ ایرانی که پرورنده انتظام و هماهنگی است، در عین اینکه از طریق عدد، هندسه، رنگ و ماده به حیطه حواس درمی‌آید، انسان را به ساحت باطنی و معنوی مستقر در فضای باغ رهنمون می‌سازد. انسان ایرانی با ساختن باغ به صورت واحه، به وسیله تکمیل‌سازی



تصویر ۲. همای در مقابل کاخ همایون، جنید (نیمه دوم قرن هشتم ه.ق.) بغداد، مینیاتور برای نسخه دیوان خواجوی کرمانی. مأخذ: Hobhouse, 2006.
Fig.2. Prince Homay waits at the Palace gate. Printed by Jonayd in Baghdad in the second half of the 8th century. Miniature for Divan of Khajū Kermani issue. Source: Hobhouse, 2006.

است. ساخت دیوار اطراف باغ مانع از ورود و تجاوز اغیار به باغ می‌شده، به همین دلیل باغ ایرانی همواره با دیواری محصور است که هم خلوت‌گاهی برای آرامش و گوشه‌نشینی و هم حفاظی برای احساس و تأمین امنیت باشد. اهمیت دیوار برای تعریف باغ و یا به قول هایدگر به عنوان "آغاز حضور باغ"، همیشه جزء لاینفک برای باغ ایرانی بوده است. چنانچه فلاسفی چنین عنوان می‌کند: "شناخت ما از باغ همه جا، سخن از دیوار کم و بیش رفیعی دارد که دور تا دور باغ ساخته می‌شود، دیواری که میان محیط درونی و بیرونی حایل است، هم جداکننده درونی و هم جداکننده بیرونی باغ است و هم این دو را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این دیوار یا حصار را به مثابه اولین عنصر معمارانه بگیریم که می‌خواهد وجود باغ را اعلان کند و همین جاست که نخستین پرسش در راه شناخت باغ ایرانی برایمان به میان می‌آید: آیا تمامی آنچه بیرون محیط باغ دیده‌ایم و شناختیم و زندگی کرده‌ایم. به هنگام گذر از این دیوار، پشت سرمان گذاشته می‌شود و ما - پس از گذار - اصولاً با جهانی دیگر روبرو خواهیم شد؟ دیوار در معنای متعارفش، جداکننده دو یا چند مکان از یکدیگر است. پیش از دیوار مکانی است و پس از آن مکانی دیگر" (فلاسفی، ۱۳۸۹: ۶۵۰). در داخل این دیوارها،

و نمادینه‌سازی، کمبودهای طبیعت را جبران می‌کند و به مکان باغ عینیت می‌بخشد. چنانچه افراد بی‌شماری، از باغ ایرانی به عنوان مفهومی قدسی، معنایی، کمال یافته، متعالی و جامع یاد کرده^{۱۲} و آن را حاوی مفاهیمی رو به عالم معنا می‌دانند.^{۱۳}

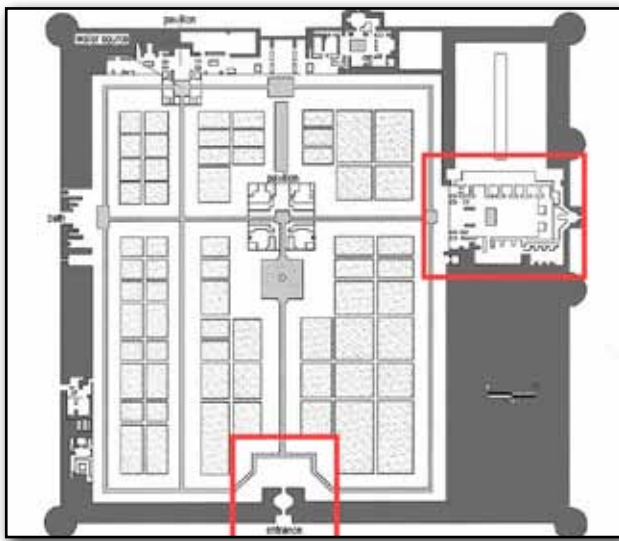
عناصر و ساختار باغ ایرانی

باغ ایرانی در پی ترکیب عناصری همچون "زمین"، "آب"، "گیاه" و "فضا" و قرارگیری در ظرف اندیشه معماری ایرانی شکل می‌گیرد. از طرفی از دیدگاه پدیدارشناسی، برای فهم روح مکان، به مفاهیم "معنا" و "ساختار" نیازمندیم. معنای هر شیء ریشه در روابط آن با اشیای دیگر داشته و ساختار بر ویژگی‌های شکلی و فرمی مجموعه‌ای از روابط اشاره دارد که یک کلیت هستند و از این طریق است که می‌توانیم به کیفیت‌های وجودی آن پی ببریم. بر این اساس به بررسی ساختار باغ خواهیم پرداخت.

محصوریت^{۱۴}، کرانه و دیوار باغ

رابطه درون و بیرون که وجه نخستین فضای عینی است، نشان می‌دهد که فضاها دارای درجه‌های متنوعی از امتداد و محصوریت اند (تصویر ۲) درحالی‌که چشم‌اندازها به واسطه امتدادی متنوع و با این وجود کاملاً پیوسته مشخص می‌شوند، قرارگاه‌ها، موجودیت‌های محصور هستند. قرارگاه و چشم‌انداز از این رو دارای یک ارتباط پیکره - بستر است. در صورتی که این ارتباط از بین برود یک قرارگاه هویت خود را از دست می‌دهد. این ارتباط بین بستر بیابان و پیکره باغ ایرانی توسط هندسه کالبدی و معنایی با توجه به جهت‌های آشکار کاشت، آبیاری و مفاهیم فلسفی به وجود آمده است. انسان، از طریق هندسه به مفاهیمی چون گشودگی (وسعت دید)، پیوستگی، مرکزیت و جهت دست پیدا می‌کند، به طور کلی هندسه در معماری، برای ظاهر ساختن یک نظام جامع کلی به کار می‌رود، مثل یک "نظم کیهانی". از نظر «هایدگر» "یک کرانه آن نیست که در آن چیزی می‌ایستد، بلکه همان‌گونه که یونانیان دریافتند، کرانه آن است که از آن چیزی حضور یافتن خود را آغاز کند" (شولتز، ۱۳۸۸: ۲۵). محصوریت در درجه اول به معنای گستره مشخصی است که یک مرز مصنوع آن را از محیط پیرامونش جدا ساخته است. همچنین می‌تواند به شکلی کمتر متمایز و به صورت دسته متراکمی از عناصر باشد که در آن مرز پیوسته‌ای احساس می‌شود و نه حضوری صریح (همان: ۹۱).

از این رو، می‌توان گفت که دیوار^{۱۵} برای باغ همانند یک کرانه عمل می‌کند و محصوریتی به باغ می‌بخشد که می‌تواند با گردهم آوردن چیزها، چشم‌انداز را به قرارگاه و مرکزی تبدیل کند که دارای خصلت ویژه‌ای است. دیوار یکی از مهم‌ترین عناصر محرمیت در باغ ایرانی محسوب می‌شود به طوری که تقریباً تمامی باغ‌های ایران با دیوار محصور شده‌اند. علاوه بر مسأله اقلیمی، ایجاد محرمیت و امنیت از مهم‌ترین عوامل ساخت دیوار و حصار اطراف باغ‌های ایرانی



تصویر ۳. محصوریت و ارتباط تعریف شده درون و برون توسط درآی گاه‌ها و ورودی‌ها در باغ ایرانی- فین کاشان. مأخذ: Fairchild, 2008:188
 Fig.3. Enclosure and distinctive connection between inside and outside via entrances and portals in Persian garden- bagh-e Fin in Kashan. Source: Fairchild, 2008:188.

به جز شکل و موقعیت کلی، عوامل و ویژگی‌های دیگری همچون جنس خاک، شیب و اختلاف سطح، قابلیت آبیاری و حاصلخیزی نیز اهمیت دارد. به عنوان مثال یکی از علل اصلی احداث باغ در زمین‌های شیب‌دار که نمونه‌های آن زیاد به چشم می‌خورد امکان حرکت آب در میان باغ به شکل طبیعی است. علاوه بر این زمین شیب‌دار موجب جهت‌گیری هندسی باغ نیز می‌شود: «وجود زمین شیب دار، شرط لازم دیگری برای آبیاری باغ بوده و جهت باغ بر همین اساس شکل می‌گیرد. سیستم هندسی که ایرانیان برای آبیاری به کار گرفته‌اند؛ دقیق‌ترین و سهل‌ترین امکان را فراهم می‌سازد» (انصاری، ۱۳۷۸: ۱۵۵). باغ‌های ایرانی قرار گرفته در زمین‌های شیب‌دار با دراختیار گرفتن خصلت ویژه زمین، این ویژگی را در نوع آبیاری و تقسیمات هندسی خود نیز منتقل کرده‌اند به گونه‌ای که خود شیب ابزار برای خصلتمندشدن مکان باغ، در تعریف فضا به واسطه نمایش آب و چشم‌انداز شده است.

گسترده‌گی و وسعت در باغ ایرانی

کیفیت متمایز هر چشم‌اندازی گسترده‌گی آن بوده و خصلت ویژه و خصوصیات فضایی آن به وسیله چگونگی گسترده‌گی آن مشخص می‌شود. از این رو گسترده‌گی می‌تواند کم و بیش ممتد و پیوسته بوده و زیر- مکان‌های چشم‌انداز کلی، ممکن است مطابق با آن شکل بگیرد و توانایی‌اش در دریافت عناصر انسان- ساخت متناسب با آن تغییر کند. "چگونگی" گسترش در اصل وابسته است به طبیعت بستر و زمینه، یعنی به شرایط عوارض طبیعی زمین. عوارض (توپوگرافی) به وضوح به معنای "شرح مکان" است، اما عموماً

همه چیز آرام است. باغ نقطه‌ای ثابت در دنیای در حال تغییر است؛ دشتی از تغییرات ظریف و پیوسته که توسط طراحی انسان از توازنی دقیق برخوردار است (خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹).
 طرح معماری باغ‌های ایرانی، برخلاف دیگر سرزمین‌ها، مانند ساختمان‌های ایرانی درون‌گرا بوده است و این درون‌گرایی به سبب وجود دیوار در گرداگرد باغ و عدم وجود دید به داخل باغ بوده است. البته کیفیت دیوار و نحوه ساخت آن در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است.^{۱۶} اما همواره محدوده باغ به انحای گوناگون، تعریف شده و معین بوده است. چنانچه استاد پیرنیا در مورد درون‌گرایی باغ می‌گوید: "باغ یک جایگاه باز نبوده و زمینی بوده است که گرداگردش با دیوار بسته شده است و کسی نمی‌توانسته از بیرون، درون آن را ببیند. هر باغ دارای یک درآی گاه بوده، ساختمانی که گاه آن را سردر نیز می‌نامیدند. این ساختمان، همچون بخش بیرونی خانه‌های سنتی بوده که در آن از مهمان پذیرانی می‌شده است. برای درون‌آمدن، نخست باید از کنه گذشت، سپس وارد هشتی یا کریاس و دالان شد. روبروی درگاه ورودی، بسته بود و یک یا دو دالان از هشتی به درون باغ دسترسی داشت. در درون، چشم‌انداز اصلی باغ در راستای اصلی بود و ساختمان‌های دیگر در گوشه و کنار جای داشتند. اگر باغی ساختمان سر در نداشت، در برابر درگاه آن یک پرس ساخته می‌شد. پرس دیواره‌ای بوده که دید از بیرون به درون باغ می‌بسته است" (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۴۳۲-۴۳۱)؛ (تصویر ۳).
 رابطه بین درون و برون در ارتباط کوشک و باغ نیز مشاهده می‌شود، چنانچه، مفهوم درون و بیرون که از دیدگاه پدیدارشناسی یکی از مفاهیم بنیادین در ایجاد روح مکان (حس مکان) است در اینجا نیز وجود دارد. به طوری که نوع دیگری از ارتباط بین درون و برون را می‌توانیم در طراحی کوشک مشاهده کنیم، الحاق ایوان (فضای نیمه‌باز)^{۱۷} در نماهای اصلی به دلیل بهره‌گیری از چشم‌اندازهای مناسب، برای ایجاد چنین ارتباطی است. در این خصوص می‌توان از کوشک‌های هشت‌بهشت و چهل ستون به عنوان نمونه‌های موفق موجود نام برد. اما آنچه از مفهوم درون و بیرون، محصوریت و کرانه در باغ ایرانی دریافت می‌شود، کیفیت جداسازی عرصه‌ها، محرمیت و تعیین فضاهای مختلف و به دیگر سخن، وجود نوعی سلسله‌مراتب عملکردی و رفتاری در باغ ایرانی بوده است که آن را واجد خصوصیت آرامش و آسایش برای استفاده‌کنندگان می‌کرده است.

زمین در باغ ایرانی

باغ یک چشم‌انداز فرهنگی است که انسان در آن مکانمند می‌شود. و انسان با کنترل قسمتی از محیط طبیعی (که این کنترل منطبق و منتج از ارزش‌های مکتب اوست)، چشم‌انداز فرهنگی باغ ایرانی را تولید می‌کند.

هر قرارگاه راستینی بر مبنای گرد هم آوردن بنیان نهاده می‌شود و باغ به عنوان قرارگاهی از چشم‌انداز، که فرهنگی شده است به زمین وابسته است. در رابطه با زمین که یکی از عناصر اصلی باغ است

«یمین و یسار» و بر «جابلقا و جابلسا» اشراف معنوی و مکانی دارد، فضای کائتاتی نظم یافته‌ای می‌آفریند. چنان که پیدا است، باغ ایرانی دارای نظم یافتگی سنجیده و قوام یافته‌ای است که می‌تواند تعبیرهایی ملموس نیز به دست دهد؛ چیزی که هندسه و هندسه باغ خوانده می‌شود (فلامکی، ۱۳۸۹: ۶۵۴-۶۵۳) و این همان هندسه خاصی است که شولتز در ساختار فضایی روح مکان طبیعی و روح مکان انسان ساخت نوع کیهانی بدان اشاره می‌کند. در معماری ایرانی به ویژه منظر ایرانی توجه به جهات اصلی و جهت آسمان همواره مورد توجه بوده است به طوری که «هانری کربن» نیز در مقدمه کتاب اصفهان، تصویر یک بهشت، با تأکید بر این نکته، حوض آب را که در حیاط مسجد را بازتابی از این اندیشه می‌داند (کربن، ۱۳۷۷). در دیدگاه اسلامی هر فضای متعین که مختصات معلومی دارد مکان انسان قرار گرفته است، انسان (عالم صغیر) دربردارنده هر آن چیزی است که عالم کبیر را می‌سازد و همین مختصات است که به تمام مکان‌های زندگی فرد مسلمان تعین می‌بخشد. عبادات او رو به جهتی خاص است، رو به قبله، خانه می‌سازد و شهرسازی می‌کند و در صورتی که بخواهد فضای بهشتی را به زمین آورد، هندسه را به کار می‌برد که مهم‌ترین عناصر آن نماینده جهات اصلی هستند و به سبب همین جهت دهی به مکانی محصور است که باغ ایرانی فضایی متعین و دارای روح مکان می‌شود. علاوه بر هندسه کلی و جهات اصلی تأثیرگذار بر هندسه باغ ایرانی، در اجزای باغ ایرانی نیز، توجه خاصی به شکل‌های هندسی شده است و شکل مربع که فاصله بین اجزای باغ را ساده و روشن نشان می‌داد، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. "به وقت کاشتن درخت، نخستین گام، دقت در تعیین فاصله محل کاشت از هر طرف بود و بدین ترتیب مربع‌هایی شکل می‌گرفت که از هر طرف که نگاه می‌کردند، ردیف درختان را می‌دیدند" (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۵). به طور خلاصه در هندسه باغ ایرانی دو اصل مهم بود: سه کشیدگی در کنار هم، و تقسیم باغ به مربع‌هایی که خود دارای تقسیماتی منظم و مربع شکل بودند. سابقه این اصول به خیلی قبل، به هزاران سال قبل باز می‌گردد. در کشاورزی ما هم کاشت مربعی معمول بوده و زمین و آب به صورت مربعی تقسیم می‌شده است (همان: ۶).

فضا در باغ ایرانی

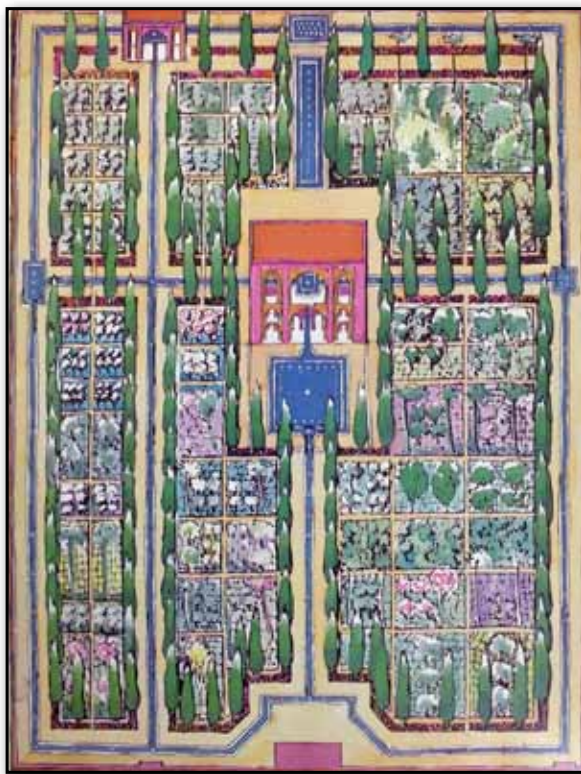
از دیگر عناصر باغ ایرانی، فضا یا فضای معمارانه است که عرصه‌های بیرون و داخل باغ ایرانی را شکل داده و عناصر موجود در باغ را به نظم خود درمی‌آورد. در باغ ایرانی، فضای بسته و باز با هم تلفیق شده و نظام پیوسته‌ای از عناصر را ایجاد می‌کنند. به گونه‌ای که، تداوم عناصر طبیعی در میانه بناها منجر به تشکیل ساختار یکپارچه و تأکید بر پیوستگی فضایی در باغ ایرانی می‌شود (تصویر ۴). سازماندهی فضایی نیز در باغ ایرانی به دور از هرگونه پیچیدگی‌های بصری است این خصیصه از زیبایی آن نکاسته بلکه آن را واجد سلسله مراتب،

جهت اشاره به آرایش و پیکره‌بندی فیزیکی مکان به کار می‌رود (شولتز، ۱۳۸۸: ۵۲). از این نکته در باغ ایرانی نیز به منظور تحقق مفاهیم اعتقادی و تمثیلی بهره گرفته شده است بدین معنی که گستردگی چشم‌انداز به واسطه به‌کارگیری از پرسپکتیو تک‌نقطه‌ای، باغ ایرانی را واجد خصلتی کرده است که تصاویر آن را می‌توان در تصاویر بهشت اسلام نیز مشاهده کرد. به وسعت مجازی و گشودگی هندسه باغ در بسیاری از متون اشاره شده است به گونه‌ای که آن را می‌توان به عنوان شاخصه باغ ایرانی در نظر آورد. «دیبا» و «انصاری» در مقاله «باغ ایرانی» با اشاره به آیات و روایات وسعت را یکی از خصوصیات باغ ایرانی عنوان و بیان می‌کنند: "یکی از خصوصیات باغ‌های ایرانی وسعت آنهاست، اگرچه باغ‌های معروف و وسیعی در ایران وجود داشته که از جمله به باغ هزارجریب در اصفهان می‌توان اشاره کرد اما وسعت مجازی باغ ایرانی که منتج از هندسه خاص آن، کاربرد همه عوامل طبیعی و ... است. از اهمیت بیشتری برخوردار است و ... وجود چشم‌انداز اصلی به شکل مستقیم کشیده در محور طولی باغ روبروی کوشک و کاشتن درختان بلند در دو طرف آن نقشی اساسی در ایجاد پرسپکتیوی دارد که باغ را طولانی‌تر جلوه‌گر می‌سازد ... شیب طبیعی که در اکثر باغ‌های ایرانی مورد استفاده قرار گرفته موقعیت مناسبی را برای قرارگیری کوشک در نقطه مرتفع باغ فراهم ساخته است که تمثیلی از معنای فردوس در بهشت است ..." (دیبا و انصاری، ۱۳۷۶) به بیانی دیگر، "اصول استفاده شده از طراحی و انتخاب سایت برای طراحی باغ ایرانی از اصولی پیروی می‌کرد که باعث به وجود آمدن باغ‌های ابدی همانند بهشت شد" (Haghighat bin, M., 2012: 80).

از نظر شولتز، خصلت مکان انسان ساخت تا حدودی به واسطه درجه گشودگی آن معین می‌شود و سختی و یا شفافیت مرزها موجب می‌شود تا فضا، منزوی و یا به عنوان بخشی از یک کلیت به نظر آید.

هندسه

هر آینه به تفسیرها و تشریح‌ها و توصیف‌های مکتوب که در باب باغ ایرانی بنگریم، همه جا سخن از هندسه به میان می‌آید هندسه در عطف به عامل ماده‌ای و ابعاد قابل تصور (یا تصور شده) از گیتی و کره زمین و جهان کالبدی زندگی شده...، به میان می‌آید و بار نمادین پیدا می‌کند... از آن جایی که آدمیزاده بر جهانی که پیش روی خود دارد، متکی است و تمامی حرکت‌های کالبدی-سرزمینی و یا اندیشه‌ای و خیالی خود را درون آن به تصور و سپس به تحقق می‌برد... دارای افق بینشی یا سپهر اندیشه‌ای خاص شناخته می‌شود و این بینش است که بر جهان زندگی آدمیزاد تعیین سمت و سوی و جهت و بعد می‌کند: روزی برای خود عنایت به "یمین و یسار" را کافی می‌داند؛ روزی همین دو سمت را به آسمان می‌برد و برای خود «جابلقا»، «جابلسا» می‌سازد و روزی دیگر، نقطه عطف بس والایی را به آنچه داشته می‌افزاید و با قرار دادن «هُورِ قَلِیَا» در والاترین نقطه‌ای که بر



تصویر ۴. وجود سلسله مراتب، وحدت و همبستگی در مجموعه باغ ایرانی؛ تلفیق و تداخل هنرمندانه فضاهای بسته و باز با همدیگر. مأخذ: پیرنیا، ۱۳۷۳.

Fig.4. Hierarchy and Unity in Persian garden complex- Accomplished incorporation and composition in closed and open spaces. Source: Pirmia, 1994.

جدول ۵. جمع‌بندی کیفیت‌های عناصر باغ که آن را حامل مفهوم روح مکان می‌کند. مأخذ: نگارندگان.

Table5. Qualities of Persian Garden make it a container of spirit of place. Source: authors.

خصلت‌ها و کیفیت عناصر برای ارتقای روح مکان	
احساس وحدت اجزاء که باعث امنیت و احساس آرامش می‌شود	پیوستگی در اجزاء توسط روابط هندسی
گسترده‌گی چشم‌انداز = گشودگی (وسعت دید) وجود تنوع فضایی	زمین‌های شیب‌دار: در اختیار گرفتن خصلت ویژه زمین (تأکید بر قابلیت‌های عناصر طبیعی)
تداعی وسعت بهشت به وسیله وسعت مجازی توسط هندسه باغ	تأکید بر پرسپکتیو تک نقطه‌ای به واسطه سازماندهی فضایی خاص و محور اصلی موجود.
جهت = تأکید بر جهات بالا و پایین با استفاده از آبنا‌های راکد (عالم متعالی) = هندسه قدسی	توجه به جهت‌گیری‌ها = گزینش شش جهت برای مکان‌یابی در فضای اصلی
وجود سلسله مراتب عملکردی و رفتاری	ایجاد آرامش و آسایش به سبب جداسازی عرصه‌ها
محرمیت و تعین فضاهای مختلف تنوع فضایی	محصوریت و کرانه بیرونی به وسیله دیوار
	کوشک به وسیله ایوان نماهای اصلی
	درون و برون
دارای سازماندهی فضایی به دور از پیچیدگی‌های بصری که از زیبایی آن نکاسته و آن را واجد سلسله مراتب، وحدت و همبستگی در کل مجموعه می‌کند.	دارای محور و مسیر حرکت مشخص اصلی مرکزیت‌بخشی به کوشک

وحدت و همبستگی در کل مجموعه می‌کند که در جهت‌یابی و مکانمندی انسان تأثیر به‌سزایی دارد. وجود تنوع فضایی، وحدت و نیز ساختار کلی و نظم در باغ ایرانی عینیت‌بخشی فضای وجودی شده و حس مکان را در انسان تقویت می‌کند.

راه و مسیر حرکت

راه ورود به باغ، با تجربه کردن مقوله دورنمایی یا "پرسپکتیویته" همراه و همزاد است. اجزا و عناصری که در طول راهی دیده می‌شوند که آرمیزاده را به باغ می‌برد، با رنگ خاک و درخت و آسمان ترسیم و تعریف می‌شود و صدای آدمیان، پرندگان، آب و باد به آن بار و یا طعم مکانی- زمانی می‌دهد و در طول همین راه، تصویرهایی به شناسنده ارایه می‌شوند. دگرگونی مدام اندازه این تصویرها و موضع و موقعیت آنها و ترکیب‌شدن تدریجی آنها با عناصر تصویری نو ... اجازه نمی‌دهند که بهره‌وری از باغ، به برداشتی خشک و یکپارچه ثابت منتهی شود (فلامکی، ۱۳۸۹ : ۶۵۶). راه^{۱۸} نماد وجودی بنیادینی است که بعد زمان را تعیین می‌بخشد. بعضاً به هدفی معنادار می‌انجامد، جایی که حرکت متوقف شده و زمان تداوم پیدا می‌کند. بنابراین نماد بنیادین دیگری که بعد موقت و گذرا را تعیین می‌بخشد، مرکز است ساختارهای سرنمونی (الگوهای اولیه) که مرکز را نمایان می‌سازند عبارتند از نشان و محصوریت (شولتز، ۱۳۸۸ : ۸۸). و در باغ ایرانی عبارتند از محور اصلی و کوشک با حوض روبروی آن و خصلت ویژه آن عبارتند از: استفاده از خطوط راست در طراحی، تقسیم باغ غالباً به چهار بخش، هدایت و خوانایی، امنیت به جهت وحدت‌بخشی و انسجام (تصویر ۵).



هنرمنده کلی باغ ایرانی و روابط حاکم بر آن (استنتر فضایی)

تصویر ۵. کنده‌کاری متعلق به اواخر قرن هفدهم م. از باغ هزارجریب - باغ هزارجریب به دستور شاه عباس به وجود آمده بود و در چهارباغ بالا قرار داشت و پیاده‌روی آن دنباله پیاده‌روی چهارباغ قبلی بود. مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳ : ۱۰۵.

Fig.5. Figure of bagh-e Hezar Jarib in the 17th century. Bagh-e Hezar Jarib was built by Shah Abass in the upper Charbagh Axis following the previous Charbagh. Source: Khansari, et al. 2004:105.

نتیجه گیری

مقاله حاضر با بررسی ویژگی‌ها و ملزومات مکانمندی فضای معماری، روابط بین عناصر باغ ایرانی را از حیث خصیصه باز تعریف کرد. رویکرد پدیدارشناسانه در این مقاله سبب شد تا ارتباط بین عناصر باغ ایرانی که باعث به وجود آمدن کیفیت‌هایی چون محصوریت، گستردگی، فضای برون و درون، سازماندهی فضایی منظم و هندسی، وحدت و یکپارچگی می‌شوند؛ با هدف تعریف خصلت‌ها و ویژگی‌های مکانی از نقطه نظر ماهیت بررسی شوند. از طرفی، چنانچه در متن مقاله نیز اشاره شد، برای بیان مفهوم مکان، دو مفهوم ساختار (= ویژگی‌های شکلی و فرمی مجموعه‌ای از روابط) و معنا (معنای هر شیء، ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد) نیاز است که در مورد پژوهش، باغ ایرانی، ساختارها تحت مجموعه عناصر ایرانی بیان شد و معانی با بیان خصلت‌های موجود در روابط عناصر معرفی شدند (جدول ۵). با بررسی بیشتر روابط موجود بین عناصر باغ ایرانی می‌توان به این نتیجه رسید که تمام خصیصه‌های و کیفیت‌های منتج از عناصر باغ ایرانی، در هندسه باغ ایرانی نهفته است. هندسه‌ای که منشأ عقلانی و قدسی داشته و به سبب نظم و قرینگی، با تعیین بخشیدن به فضای باغ ایرانی و تداوم در تاریخ، باغ ایرانی را حامل روح مکان ساخته است. اما همین هندسه با بی‌توجهی به مفاهیم قدسی و عقلانی آن، تنها به صرف استفاده از محورهای عمود برهم و شکل مستطیلی، مورد بی‌مهری واقع شده و روح مکان باغ ایرانی را در منظر معاصر، نادیده انگاشته است. چنانچه، با توجه به مطالب عنوان شده داخل متن مبنی بر در نظر گرفتن ساحت روحانی انسان و مفهوم تسخیر در طبیعت می‌توان امیدوار بود که با رفع چنین کاستی‌هایی، شاهد بازگرداندن مکان-باغ به منظر ایرانی باشیم. باغ ایرانی دارای ارزش‌های قابل توجهی است که با به کارگیری قابلیت‌های عناصر طبیعی همچون درخت و آب و ساختاری همچون هندسه، به روح مکانی دست پیدا کرده است که به‌رغم تکرار، در قرون متمادی رنگ نابخسته و همچنان به صورت فضایی با کیفیت که می‌تواند برای نسل‌های متمادی نیز ادامه داشته باشد، حضور یافته است. حضور باغ ایرانی به واسطه بازگشت به خود طبیعی عناصر به کار رفته در آن است و معمار منظر ایرانی، تمام تلاش خود را برای به حضور رساندن حداکثر قابلیت اجزای آن به کار بسته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: (پرتوی، ۱۳۸۷) / ۲. ریشه nature از nascitura لاتینی به معنای ایجاد کردن است.
۳. که در سال‌های اخیر الهیات محیط زیست (Eco theology) را در مقام عرضه و ارایه نوعی الهیات محیط زیستی در میان الهی دانان مسیحی و یونانی ایجاد کرده است.
۴. Arnold Berleat / Andrew Brennan / ۵. عروح مکان (= genius loci) یک مفهوم رومی است. طبق باور باستانی روم هر موجود «مستقل» روح محافظ خود است. این روح به مردم و مکان‌ها، زندگی می‌بخشد، آنها را از تولد تا مرگ همراهی می‌کند و ویژگی یا ماهیت آنها را تعیین می‌کند. genius طبق گفته لویی کان نشان می‌دهد که یک چیز، چه چیز «می‌خواهد باشد» (شولتز، ۱۳۸۸: ۳۴) / ۷. Pairs Daeza / ۸. Imagomundi / ۹. Microsmose / ۱۰. باغ شازده در دهه ۱۸۹۰ میلادی توسط فرماندار کرمان در نزدیکی شهر زیارتی ماهان ساخته شد (خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹) / ۱۱. در بیان اهمیت این موضوع می‌توان به قسمتی از اعمال حج برای فرد محرم اشاره کرد، که تمرینی برای احترام به حقوق سایر جانداران است. / ۱۲. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به (شیبانی، ۱۳۹۱: ۲۶) / ۱۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به (فلامکی، ۱۳۹۱: ۷-۹) / ۱۴. Enclosure / ۱۵. در لغت نامه دهخدا پردیس گرفته شده از زبان مادی پارادتر و از همین واژه لغت پالیز فارسی امروز گرفته شده که در اوستا به معنی دیوار کشیدن است.
۱۶. مجتبی انصاری در رساله خود با عنوان، «ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان)»، از دیوار تجیر (مشبک) به عنوان گونه‌ای از دیوار گرداگرد باغ که در دوره صفویه و در اصفهان استفاده می‌شده است نام می‌برد. / ۱۷. اهمیت منظره و نظرگاه در باغ‌های ایرانی مسأله‌ای است که در بسیاری از نوشته‌های بازدیدکنندگان از این باغ‌ها بدان پرداخت شده است. به طور مثال، ژان شاردن که در سال ۱۶۸۶ از باغ‌های ایرانی دیدن کرده بود، ایوان را فضای واسطی بین خانه و باغ عنوان می‌کند که منظری به باغ دارد... برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (Stuart, 2010: 31) / ۱۸. Path

فهرست منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله. ۱۳۸۰. حس وحدت. ت: حمید شاهرخ، تهران: نشر خاک.
- انصاری، مجتبی. ۱۳۷۸. ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان). رساله دکتری (منتشر نشده)، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- دبیار، ارباب و انصاری، مجتبی (۱۳۷۶)، باغ ایرانی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ج ۲. ارگ بم - کرمان ۱۲-۷ اسفند ۱۳۷۴ - تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۳. تاریخ معماری غرب؛ از عهد باستان تا مکتب شیکاگو. اصفهان: نشر خاک.
- بل، سایمون. ۱۳۸۶. منظر الگو، ادراک و فرایند، ت: بهناز امین زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۳. باغ‌های ایرانی. مجله آبادی، ۴ (۱۵): ۹-۴.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۷. معماری ایرانی. تدوین و تألیف: معماریان، غلامحسین. تهران: انتشارات سروش دانش.
- جوادی آملی، عبد... ۱۳۷۳. تفسیر موضوعی قرآن کریم (جلد هجدهم)، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبد... ۱۳۷۸. تسنیم. قم: اسراء.
- خوانساری، مهدی و دیگران. ۱۳۸۳. باغ ایرانی: بازتابی از بهشت. ت: مهندسین مشاور آران. تهران: انتشارات سازمان میراث و فرهنگی و گردشگری.
- شیبانی، مهدی. ۱۳۹۱. آوای هستی باغ ایرانی. مجله منظر، (۲۱): ۷-۹.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۵۸. المیزان فی تفسیر القرآن (جلد سی و چهارم)، ت: سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۸۹. باغ ایرانی (عکس رخ باغ). در گستره‌های معماری. تهران: نشر فضا.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۹۱. ایرانیان و باغ سرزمین‌های باغ ایرانی. مجله منظر، (۲۱): ۹-۶.
- قرآن کریم. ۱۳۸۹. ت: آیت ا. مکارم شیرازی. تهران: ناشر تابان.
- کربن، هانری. ۱۳۷۷. اصفهان بهشت پنهان. ت: جمشید ارجمند. تهران: نشر پژوهش روزافزون.
- گروتز، یورگ. ۱۳۷۵. زیباشناختی در معماری. ت: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مایس، پیر فون. ۱۳۸۳. نگاهی به مبانی معماری (از فرم تا مکان). ت: سیمون آیوازیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۵. تفسیر نمونه، جلد ۱۰. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۸۵. دین و نظم طبیعت. ت: انشاء... رحمتی. تهران: نشر نی.
- نوربرگ شولتز، کریستین. ۱۳۸۸. روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری، ت: محمدرضا شیرازی. تهران: انتشارات رخ داد نو.
- یاحقی، محمدجعفر. ۱۳۶۹. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: انتشارات سروش.

Reference list

- Ardalan, N. & Bakhtiar, L. (2002). *The Sense of Unity: The sufi tradition in persian architecture*. Translated to Farsi by Shahrookh, H. Tehran: Nashre-Khak.
- Ansari, M. (1999). *Arzashha-ie bagh-e Iran-i* (safavieh-Isfahan) [Persian Garden's values (Safavied – Isfahan)]. Unpublished doctoral dissertation. Tehran: University of Tehran.
- Banimasoud, A. (2004). *Tarikh-e Memari- ye Gharb: az ahde Bastan ta maktabe Chicago* [A history of Western Architecture: From Ancient to School Chicago]. Isfahan: Nashr- e Khak
- Bell, S. (2007). *Landscape: Pattern, Perception, and Process*. Translated to Farsi by Aminzadeh, B. Tehran: University of Tehran.
- Corban, H. (1998). *Isfahan Image of Paradise*. H. Translated to Farsi by Arjmand, J. Tehran: Nashre-Pajhoushesh rouzafzoon.
- Diba, D & Ansari, M. (1997). Bagh-e Iran-i [The Persian garden]. *Congress on History of Iran's architecture and urbanism* in Bam, Kerman. Vol. 2. Tehran: Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization.
- D. Fairchild, R. (2008). *Islamic Gardens and landscapes*. Philadelphia: University of Pennsylvania.
- Falamaki, M. M. (2010). Aks-e Rokh-e bagh [The Picture of garden face]. In *The Camps of Architecture*. Tehran: Nashre-Faza.
- Falamaki, M. M. (2012). Iranian va bagh sarzaminha-ie bagh- e Irani [Iranian and Garden: Lands of Iranian Garden]. *Manzar*, (21): 6-9.
- Grutter, J. k. (1996). *Aesthetics in Architecture*. Translated to Farsi by Pakzad, J. & Homayoon, A. Tehran: University of Tehran.
- Haghghat bin, M., Ansari, M., Steenberg, C. & Taghvae, A.A. (2012). Innovations in the Charbagh Axis of the Safavid Period. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 22 (2): 79-90.
- Hobhouse, P. (2006). *Garden of Paradise*. United Kingdom: Cassell Illustrated.
- Javadi Amoli, A. (1994). *Tafsir-e mozoee-e Quran Karim* [Thematic Interpretation of Quran] Vol.18. Qom: Esra.
- Javadi Amoli, A. (1999). *Tasnim*. Qom: Esra.
- Khansari, M., Moghtader, M. & Yavari, M. (2004). *The Persian Garden: echoes of paradise*. Translated to Farsi by Aran consulting engineers. Tehran: Cultural Heritage, Hand crafts and Tourism Organization.
- Makarem Shirazi, N. (1996). *Tafsir- e Nemooneh* [Nemooneh Interpretation]. Vol.10. Tehran: Darolkotob Eslamie.
- Meiss, P. V. (2004). *Elements of Architecture: From Form to Place*. Translated by Ayvazian, S. Tehran: University of Tehran.
- Nasr, S.H. (2007). *Din va nazm-e tabiat* [Religion and The Order of Nature]. Translated to Farsi by Rahmati, E. Tehran: Nei.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius loci: towards a phenomenology of architecture*. Minnesota: University of Minnesota.
- Norberg-Schulz, C. (2009). *Genius loci: towards a phenomenology of architecture*. Translated to Farsi by Shirazi, M. R. Tehran: Nashre- Rokhdade No.
- Pirnia, M. K. (1994). Baghha- ye Irani [Persian Gardens]. *Abadi* (15): 4-9.
- Pirnia, M. K. (2008). *Memari- ye Irani* [Persian Architecture]. Edit by Memarian, GH. Tehran: Soroushe Danesh.
- *Quran*. (2011). Translated to Farsi by Makarem Shirazi, N. Tehran: Nashre -Taban.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Rotenberg, R. (2012). *Space, place, site and locality: the study of landscape in cultural anthropology*. In Exploring the boundaries of landscape architecture, Edited by Bell, S., Herlin, I. & Stiles, R. Routledge.
- Sheybani, M. (2012). Avaie Hasti-e Bagh-e Irani [Existence Sound of Iranian garden]. *Manzar* (21): 26-27.
- Stuart, R. (2010). *Gardens of the World: The Great Traditions*. London: Frances.
- Tabatabaiee, S. M. H. (1979). *Almizan fi Tafsir-e Quran* [Interpretation of Quran]. Vol.34. Translated to Farsi by Mousavi H., S. M. B. Tehran: Nashre-Mohamadi.
- Turner, T. (2005). *Garden Design: Philosophy and Design 2000 BC-2000 AD*. USA and Canada: Routledge.
- Turner, T. (2011). *Asian Gardens: history, belief and design*. USA and Canada: Routledge.
- Yahaghi, M. J. (1990). *Farhang- e Asatir va Esharat- e dastani dar Adabiate Farsi* [Culture of mythology and storied symbols in Farsi literature]. Tehran: Nashre-Soroush.

Spirit of Place in Persian Garden *

Leila Medghalchi**

Mojtaba Ansari***

Mohammad Reza Bemanian****

Abstract

“And those who believed (in the Oneness of Allah and His Messengers and whatever they brought) and did righteous deeds, will be made to enter Gardens under which rivers flow, - to dwell therein forever (i.e. in Paradise), with the permission of their Lord. Their greeting therein will be: Salam (peace!) ” (Surah Ibrahim: 23)

During the last century, the place term with a wide range of meanings, is described virtually in all architectural spaces. Creating place has given embodiment to human’s morality and beliefs and has had a deep connection with the realm of human existence and his relationship with his surroundings. Therefore, studying the way human communicates with nature restricted in field of landscape, and identifying the type of these formed relationship, are the first step in scrutinizing the concept of place. On the other hand, Persian Garden as an excellent example of Iran’s landscape is the image of Islamic-Iranian human beliefs through the history which is still reminisced as a successful pattern despite the hardships. If there is a speech about Iranian landscape, perhaps the first and only word that will come to minds is Persian Garden that despite much research about it, today it does not have a good place in designing landscape architecture. Numerous researches have already studied about the concept of place; from among of them Schulz has spatial classification in natural and man-made places. Schulz’s categorizations discusses about patterns for distinguishing Spirit of place. In this issue, we study Schultz’s visions about place, spirit of place and compare them with Islamic view about relationship between human and nature. The results of this comparison showed that segregation points of this thinking situate in human religious dimensions and their effects on Persian gardens design. In spite of these differences, studying different viewpoints could be useful for finding out the structures of the spirits of Persian garden and Characters of its elements. Persian Garden, despite its disguise values, is known only by its physical geometry; although this geometry is strong, thoughtful, and results of the principles of irrigation and agriculture and does not have little importance; but studying it only and without paying attention to other identity former features and concepts such as place, spirit of place (Genius loci), its sacred quality and etc. that has caused continuity of Persian Garden at different ages; is a nominal imitation and an incomplete job. Also studying lonely the elements of Persian Garden without attention to their relationship with each other and with the emergence of the concepts of the garden, can reduce the reliability and durability in many years. Certainly importance of the holistic views to human and existence phenomenon, relevance of Garden’s elements and quality associated with elements placed together, can perform a key role in identifying effective factors in enhancing the understanding of spirit of place (sense of place) in Persian Garden. Therefore, this study attempts to identify eligible qualities of concepts of spirit of place in Persian Garden by discussing the elements of Persian Garden, and their comparison with the concepts and elements of place. This paper uses, by a review of human relationship with nature and showing the relationship that leads to creation of spirit of place in Persian Garden and analysis of garden elements with each other using phenomenological approach to the concept of place and Persian garden since the authors believe) that separation of man and environment is despicable) is seeking to answer the following question: Which environmental qualities of Persian Garden make it a container of spirit of place? The method in this research is, descriptive, analytical and an instrument of collecting data is the library. In this study, to determine the position of man in relation to nature and its capture by human, first the types of human relation with the nature is examined and position of Persian Garden in human’s reaction to nature (as soul of place) is expressed. Then with attention to the concepts of structure and meaning, to achieve the spirit of place in Persian Garden is analyzed by the phenomenological approach and characteristics of each are recognized separately. According to the present approach, our structure and relationships between the elements of Persian Garden is noteworthy and it is avoided to point out directly to some elements of garden (although important). The results showed that each of the components of garden have a great role in instilling a sense of place to the audience not only for having known qualities, but also for having theological and sacred qualities as well as meaning and history. Concepts such as enclosure, distribution, geometry and space, which have been created through the relations betweenof the elements of Persian Garden, do have material and moral qualities that make Persian Garden eligible of sense of place (spirit of place).

Keywords

Persian Garden - spirit of place - Relationship between human and nature- Elements of Persian Gardens

*. This paper is derived from the studies of Leila Medghalchi’s Ph. D thesis entitled “Human Values of Iranian-Islamic Landscape Architecture Safavied Era” carried out under the supervision of Dr. Mojtaba Ansari, University of Tarbiat Modares.

** Ph.D. candidate, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, University of Tarbiat Modares.

Leila_medghalchi@yahoo.com

*** Ph.D. in Architecture, Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, University of Tarbiat Modares. Corresponding author. ansari_m@modares.ac.ir

**** Ph.D. in Architecture, Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, University of Tarbiat Modares. bemanian@modares.ac.ir